

تحلیل راهبردهای ایمن‌سازی فضاهای مسکونی شهر تهران در برابر جرم

(مورد مطالعه: منطقه 12 شهر تهران)¹

سیدخلیل سیدعلیپور²، موسی میرزائی³

تاریخ دریافت: 1395/12/01
تاریخ پذیرش: 1396/02/07

از صفحه 131 تا 166

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی
سال پنجم، شماره هفدهم، بهار 1396

چکیده

ایمنی از اصول اساسی رفاه شهروندان محسوب می‌گردد و این مهم در فضاهای مسکونی شهرها که محل سکونت افراد است حائز اهمیت بیشتری است. ایمن‌سازی فضاهای مسکونی شهری متأثر از دو نیروی بیرونی و درونی است. نیروهای بیرونی به نقش نهادهای انتظامی و مدیریت شهری، رسانه‌ها و سازندگان مسکن و نیروهای درونی به شاخص‌های درونی محلی و خود مسکن مرتبط است. محدوده مورد مطالعه، منطقه 12 شهر تهران، شامل 13 محله می‌باشد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی، داده‌ها و اطلاعات پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که نگرش کالبد محوری یا بدون در نظر داشتن نقش نهادهای مدیریت شهری، امنیتی، سازندگان مسکن و شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها نمی‌توان به شهری امن دست یافت. در بین محله‌های منطقه 12 شهر تهران، محله‌های ایران، کوثر، آبشار و تختی در رتبه‌های اول تا چهارم و در وضعیت مطلوب و در نقطه مقابل، محله‌های هرندی، بازار و بهارستان در وضعیت نامطلوبی قرار داشتند. لزوم بازنگری در قوانین ساختمانی و پروانه ساختمان و پایان کار برای مسکن ناامن برای نهاد مدیریت شهری و بازنگری در نهاد انتظامی از رویکرد سنتی به استفاده از فناوری‌های نوین پیشنهاد می‌گردد. توجه به نقش مشارکت مردمی و طراحی محیطی امن و لزوم سازندگان مسکن برای پایبندی به اصول مسکن امن در برابر جرم نیز احساس می‌شود.

کلید واژه‌ها: راهبردها، ایمن‌سازی، فضاهای مسکونی، جرم، منطقه 12 شهر تهران.

1- این مقاله برگرفته از طرح مورد حمایت پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی است.

2- استادیار جغرافیا پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا.

3- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، musa.mirzaie@ut.ac.ir.

تحقیق بر روی توزیع جغرافیایی و تأثیرگذاری محیطی بر وقوع جرائم در سطوح شهر از مورد توجه جرم شناسان، روانشناسان محیطی و برنامه ریزان و طراحان شهری بوده است و هرکدام به نوبه خود درصدد تحلیل، توزیع، پراکنش و عوامل مؤثر بر آن هستند. جرم‌شناسان معتقدند که وقوع جرم در محله‌های شهری به شدت متأثر از عوامل جمعیت شناختی و اقتصادی و اجتماعی هستند (Cahill & Mulligan, 2003; Christens & Speer, 2005) و روانشناسان محیطی نیز معتقدند رفتار مجرمانه متأثر از محیط جرم خیز است (National Institute of Justice, 1996:16). نظریه دیگری توسط جین جیکوبز در کتابش با عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی در سال 1961، ارتباط بین جرم و محیط ساخته شده (محله‌های مسکونی و خیابان‌ها و پیاده‌رو و غیره) در سطح کلان در زمینه‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری مورد بررسی قرار داد. جیکوبز بر این نکته تأمل و تأکید می‌کرد که ارتباط متقابلی بین تنوع کاربری و فعالیت‌های مردم در سطح محله‌ها و کاهش جرم وجود دارد و محل یا مکانی شلوغ و متنوع باشد محیطی امن محسوب می‌گردد و بر طراحی شهری، روشنایی و تنوع کاربری زمین در شهر تأکید داشت (Jacobs:1961:217). بر اساس این نظریه فعالیت مردم و تحرک مردم در سطح محله‌ها را به عنوان ناظر غیررسمی خیابان و چشم خیابان قلمداد کرده و منجر به کاهش بزه در سطح خیابان‌ها و محله‌ها می‌شود. نظریه نیومن درباره فضاهای قابل دفاع که گرچه اشتراکاتی با نظریه جین جیکوبز نیز داشت ولی وی پیشنهاد کرد برای نظارت بیشتر محله‌های مسکونی با محله‌های مسکونی کم تراکم ایجاد کرد تا قابلیت دفاع در برابر جرم بهتری داشته باشند. وی در واقع ساکنان محله‌ها را در ایجاد امنیت حیاتی می‌داند (Hillier & Sahbaz, 2008:19).

شهرنشینی و مدرنیزاسیون عامل اساسی در توسعه شهری و تغییرات ساختارهای اکولوژیکی در سطوح جغرافیایی و فضایی محسوب می‌شوند. بین جرم و تغییرات سریع اجتماعی که منجر به نابسامانی اجتماعی و بروز نابهنجاری‌های اجتماعی شده است ارتباط پیوسته‌ای برقرار است و همین امر منجر به افزایش جرم در محیط‌های شهری شده است. وقوع جرم در شهرها یا احساس ترس از وقوع جرم، تأثیر منفی بر رضایت‌مندی ساکنان از

محل زندگی گذاشته است به‌طور خاص ارتباط متقابلی بین جرم و رضایت ساکنین و عدم توسعه اقتصادی و وقوع جرم در شهرها وجود دارد (Kim et al. 2012).

رخداد بزه در بین مسائل مختلف شهری، به‌عنوان یک عامل کلیدی بر کیفیت زندگی شهروندان مؤثر است و مسئله امنیت در کشورها رابطه متقابل با سطح توسعه‌یافتگی جوامع دارد. در قرن حاضر با گسترش شهرنشینی و رشد تصاعدی جمعیت نقاط شهری، مسئله جرم و فرایند پیشگیری از آن به‌عنوان معضل اجتماعی مهم قلمداد می‌گردد. در گذشته رویکردهای مختلفی برای پیشگیری و کاهش جرم مورد توجه بوده است که مهم‌ترین آن‌ها نگرش مشاهده‌ای بود که امروزه پژوهشگران معتقدند نگرش مشاهده‌ای دید سطحی نسبت به مسائل جرم و جنایت داشته و جرم‌شناسان درباره نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم تأکید دارند (Siti & Aldrin, 2012, 340).

بر اساس یافته‌های رستمی و مدنی پور در سال 2006، عناصر طرح فیزیکی و گونه‌های مسکن و چشم‌انداز محیط اطراف به‌عنوان معیارهایی برای ایجاد کانون‌های جرم‌شناسی (Siti & Aldrin, 2010, 341)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ضعف در طراحی محیط فیزیکی مانند فضاهای مسکونی، پارک‌ها و مراکز بازی و سرگرمی بستر و فرصت جرم و بزه را فراهم می‌کند (Anastasia & John, 2007). در واقع، وجود مناطق مختلف به لحاظ زمانی و مکانی از نظر آسایش و آرامش عمومی در بین پژوهشگران عرصه جرم‌شناسی اتفاق نظر وجود دارد (Kirl & Dong, 2014:4)، محققان جرم و جنایت در شهرها، در این مورد اتفاق نظر دارند که بیشترین جرم و جنایت امروزه به محله‌ها و گونه‌های خاصی از طراحی معماری و منظر ساختمان‌ها در مجموع طراحی محیط‌های شهری مربوط هست، همچنین رویکرد پیشگیری از وقوع جرم در شهرها بر اساس اصول برنامه‌ریزی شهری هست. به‌عبارت‌دیگر، پیشگیری از وقوع جرم که ممکن است در هر بازه زمانی و مکانی اتفاق بیافتد، بنابراین، صرف استفاده از ابزارهای پیشگیری از وقوع جرم مانند دوربین‌های مداربسته و استفاده از نیروی پلیس ناکافی است.

مکان‌هایی در شهر هستند که میزان وقوع بزهکاری در آن‌ها بیشتر از سایر نقاط شهری است مانند؛ محل‌های سرگرمی و بازی کودکان، ایستگاه‌های مترو و اتوبوس، مراکز خرید، مسکن‌های ناسالم، سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های نابسامان شهری، از این

نظر، بررسی و تحلیل مکان‌های جرم‌خیز در شهرها با توجه به عامل مکان در آن‌ها ضرورت دارد. به‌کارگیری نیروی پلیس و طراحی منظر ساختمان‌ها، در محله‌های خاص در جلوگیری از وقوع جرم گسترش پیدا کرده است درحالی‌که الزام به‌کارگیری مجموعه راهبردهایی که باید بر اساس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نظیر بافت‌های بسامان شهری، مکان‌یابی، کاربری اراضی و تراکم بهینه جمعیت در نقاط شهری جهت پیشگیری از وقوع جرم ضروری می‌باشد. در حال حاضر راهبرد نقش طراحی محیط در جلوگیری از وقوع جرم (CPTED) به‌صورت موضوعی جدی مورد توجه است (Choi, 2006:13).

تراکم جمعیت در کنار مورفولوژی شهری در نقاطی خاص از شهرک بستر و زمینه‌ساز وقوع جرم دارد مانند بافت‌های غیررسمی، محله‌های قدیمی و بدون ساماندهی، فضاهای بی‌دفاع و جرم‌خیز، باعث افزایش روند و جریان جرم می‌شود (بحرآباد، حسین: 1390:13). پژوهش حاضر سعی دارد در تحلیل راهبردهای ایمن‌سازی مسکن شهری در منطقه 12 تهران، نقش سازمان‌های مدیریت شهری (شهرداری در سطح کل و دفاتر نوسازی و سازمان‌های غیردولتی در سطح خردتر) و نقش نهاد سیاسی-نظامی و امنیتی در سطوح مختلف کارکردهای متنوع در ایجاد بسترهای قانونی و اجرایی در راستای ایجاد امنیت در سطح شهر دارد و راهبرد دیگر مرتبط با خود مسکن و شاخص‌های ایمن آن است؛ شاخص‌هایی از قبیل تراکم، نما، کالبد، طراحی و محیط فضاهای مسکونی می‌باشد.

پرسش‌های تحقیق

- راهبردهای ایمن‌سازی فضاهای مسکونی منطقه 12 شهر تهران کدامند؟
- مهم‌ترین عوامل بیرونی اثرگذار در ایمن‌سازی فضاهای مسکونی منطقه 12 شهر تهران کدامند؟
- مهم‌ترین عوامل درونی اثرگذار در ایمن‌سازی فضاهای مسکونی منطقه 12 شهر تهران کدامند؟

اهداف تحقیق

- تدوین و تحلیل راهبردهایی در جهت ایمن‌سازی فضاهای مسکونی در شهر تهران.

- تبیین تأثیر عوامل بیرونی در ایجاد فضاهای مسکونی امن در منطقه 12 شهر تهران.
- تبیین عوامل درونی مؤثر بر ایجاد فضاهای مسکونی امن در منطقه 12 شهر تهران.

روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

- مطالعه موردی جرم و بررسی نظری آن در منطقه 12 شهر تهران.
- اختصاص راهبردهایی در راستای ایجاد فضای مسکونی شهری امن در تهران، از طریق تحلیل عوامل درونی و بیرونی با مدل تحلیلی-راهبردی سوات (SWOT) که در نام‌سازی فضاهای مسکونی منطقه 12 شهر تهران مؤثر می‌باشند.
- پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و سعی دارد با رویکردی متفاوت با مسئله وقوع جرم در شهرها (فضاهای مسکونی شهری) برخورد کند. در این برخورد راهبردی، نگاه به مسئله، فضایی محور بوده (شهر به‌عنوان یک سیستم به‌هم‌پیوسته که عوامل متعددی در آن سهیم هستند) تلاش دارد همه نیروهای اثرگذار در وقوع بزه را تبیین و سهم هر یک از نهادهای درگیر در مسئله از قبیل شهرداری به‌عنوان نهاد مدیریت شهری، دولت و نهادهای امنیتی و مردمی را در ایمن‌سازی فضای مسکن شهری مشخص سازد.
- روش پژوهش بر مبنای وجود دو نوع عامل درونی و بیرونی است. برای سنجش و تحلیل نقش هر یک و ارائه راهبرد، تحلیل عوامل بیرونی از طریق مدل راهبردی سوات (SWOT) و برای تحلیل شاخص‌های درونی مسکن، از تحلیل وضع موجود و منابع و داده‌های در دسترس استفاده نموده و سعی دارد چالش‌ها را شناخته و وضع مطلوب را ترسیم نماید. روش جمع‌آوری اطلاعات عبارتند از: الف) استفاده از منابع کتابخانه‌ای شامل (اسناد، کتب، آمارها، نقشه‌ها و کلیه منابع مرتبط با موضوع. ب) استفاده از شبکه جهانی اینترنت به دلیل تازگی موضوع جهت آگاهی از آخرین دستاوردهای علمی در زمینه پژوهش حاضر. ج) عملیات میدانی شامل مراجعه به محل، مشاهده و برداشت میدانی جهت آگاهی از نوع و الگوهای مسکن، بافت‌های

موجود، کاربری‌ها در منطقه 12 شهر تهران و وضعیت جرم‌خیزی منطقه با شاخص‌های مرجع.

مبانی نظری پژوهش

مفاهیم اساسی در CPTED¹

در دهه‌های گذشته نظریه‌های مختلفی در زمینه پیشگیری از جرم مطرح شده است ولی در حال حاضر، نظریه پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی تمرکز و توجه بیشتری می‌شود. روش پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، فرصت وقوع بزه از طریق طراحی دفاعی فضاهای فیزیکی، ترس از وقوع جرم را کاهش می‌دهد.

مفهوم اساسی (CPTED)، خلاصه سه مفهوم تحکیم سرزمینی، کنترل دسترسی و نظارت طبیعی است در این ارتباط شش نظریه پایه‌ای در قالب نظریه طراحی محیطی وجود دارد:

- فضای قابل دفاع²: اسکار نیومن 1972، او به برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت. به نظر او مراقبت‌های طبیعی شهروندان از طریق طراحی ساختمان‌ها وفای شهری عامل مهم کنترل جرائم شهری است. (Cozens, 2002: 10).

- تئوری فرصت³: تئوری در واقع تأکید بر وقوع جرم بر پایه موقعیت آن است، بدین معنی که فرصت جرم، وقوع آن را منجر می‌شود.

- تئوری فعالیت‌های روزمره⁴: منظور فعالیت‌های روزمره شهروندان که فرصت و زمینه وقوع جرم را افزایش می‌دهد.

- تئوری انتخاب منطقی⁵: یک فعالیت مجرمانه وقتی رخ می‌دهد که یک محاسبه عقلایی از سود و زیان در انجام بزه صورت گیرد. (Kim, et al. 2012)

1- Crime Prevention Through Environmental Design

2- Defensible Space Formation

3- Opportunity Theory

4- Routine Activities Theory

5- Rational Choice Theory

- پیشگیری از جرم بر پایهٔ موقعیت جرم: رونالدوی کلارک 1983، در تحقیق‌هایی به مدت 10 سال در انگلستان، دریافتند موقعیت تأثیر بسزایی بر وقوع جرم دارد
- نظریه پنجره‌های شکسته: ویلسون و کلی 1982، اصول اساسی نظریه پنجره‌های شکسته: پنجره‌هایی شکسته هستند که فرصت را برای ارتکاب و احتمال وقوع جرائم در سطح شهر فراهم می‌کنند کاهش ظرفیت‌های طبیعی جرم خیزی مناطق شهری، اشاره به نابسامانی طراحی محیط مصنوع، اشاره و تأکید بر ناکارآمدی قوانین و استانداردهای طراحی شهری و معماری، نقش موانع طبیعی و بازدارنده‌های موقعیتی در کاهش فرصت دهی برای تجاوزهای و جرائم شهری است (Siti & Aldrin, 2012).

نظریه‌های مکانی جرائم شهری

اولین مطالعات جغرافیای بزهکاری در شهرها به شیوه علمی از نیمه اول قرن نوزدهم و با بهره‌گیری از اندیشه‌های اکولوژی اجتماعی (کارهای اولیه کتله و گری) شروع و به دست محققان و دانشمندان مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو در اوایل قرن بیستم (شاو و مک کی) ادامه یافت؛ اما از چند دهه قبل (به‌خصوص از سال 1990 به بعد) با رشد شتابان شهرها و افزایش بی‌رویه جرم و جنایت در آن‌ها، توجه و علاقه زیادی نسبت به بررسی‌های مکانی جرائم شهری شکل گرفت و همین امر موجب شد تا ابزارهای تحلیل فضایی، توسعه‌یافته و نظریه‌ها و رویکردهای مکانی جدیدی در این زمینه مطرح شود.

ایمنی و امنیت شهری

امنیت شهری از دیرباز مورد توجه حاکمیت شهری بوده است و دستگاه‌های حکومتی در دوره‌های مختلف تاریخی برای حفظ امنیت خود و تداوم حکم‌فرمائی خود به امنیت شهرهای بزرگ و به‌ویژه پایتخت‌ها، گرایش خاصی داشته‌اند و هرگاه ناپایداری امنیتی در شهرهای مرکزی پدید می‌آمده است، حساسیت‌های زیادی را برمی‌انگیخته است. اما مطالعات علمی و تحقیقاتی در زمینهٔ امنیت شهری به دروان معاصر و تحولات سریع قرن بیستم میلادی مربوط می‌شود. پس از انقلاب صنعتی شهر و شهرنشینی به مفهوم امروزی آن شکل گرفته است و با بهره‌گیری از نظریه‌های علوم انسانی و به‌ویژه در

حوزه علوم اجتماعی به تدریج رفتارها، ناهنجاری‌ها و کج‌روی‌های شهری مورد توجه قرار گرفته و صاحب‌نظران دیدگاه‌های خود را در این باره بیان نمودند (پور موسوی، 1384). در متون اسلامی علاوه بر مبانی امنیت، تجلی مصادیق امنیت در شهر و مکان‌های دیگر مورد نظر بوده است. خداوند سرزمین طور را وادی ایمن می‌نامد و به شهر امن قسم می‌خورد. تاریخ اسلام اهمیت وجود امنیت فردی و اجتماعی را در ابعاد گوناگون بیان می‌کند از جمله؛ در برابر اشرار و امنیت داخلی (امنیت اقلیت‌های مذهبی) امنیت در برابر وحشت و حمله و امنیت شخصی، امنیت مسافر، امنیت معنوی و غیره که هریک بر کالبد و روح شهرهای اسلامی تأثیر مشخصی داشته است (حبیبی، سرکارگر اردکانی، 1389).

اغلب صاحب‌نظران مسائل اجتماعی شهرها را نهایت دو عامل فقر شهری و مهاجرت را به عنوان جلوه‌های مهم معضلات اقتصادی- اجتماعی در ناآرامی و ناهنجاری‌های شهری مؤثر دانسته‌اند. لانگران و پالم در کتاب خود، بیگانگی اقلیت‌های قومی در شهرها را چند برابر بیگانگان و فقیران معمولی تلقی کرده و معتقدند: شرایط نامطلوب زندگی، بیکاری و فقر همواره حاکم بر اقلیت‌های قومی در شهرهاست و ناآرامی‌های شهری همواره از محله‌های مربوط به کارگران و مهاجران آغاز می‌شود و گسترش می‌یابد. در همین رابطه، موضوع نقش کیفیت مسکن در بروز جرائم شهری به عنوان نظریه‌ای پرطرفدار مطرح شده است (Largan & Palm, 1973).

اکولوژی اجتماعی شهر

اکولوژی به معنی دانش محیط‌زیست و دانش مسکن بوده و از کلمه ایکوس گرفته شده است. در سال 1868 عنوان اکولوژی به وسیله ارنست هاکل مطرح شده. از ابتدای قرن بیستم با ابعاد گسترده‌تری مورد مطالعه قرار گرفت (شکوئی، 1375:5). به نظر برخی از دانشمندان معاصر اکولوژی شهری، در طول دهه 1920 توسط رابرت پارک و ارنست برگس (1886-1966) برنامه مشخصی از تحقیق شهری را در دپارتمان جامعه‌شناسی دانشگاه شیکاگو بسط دادند. مطالعات دانشمندانی چون لوئیس ورت، رابرت رادفیلد، اورین گافمن و جرالده شولتز است که تحت تأثیر توسعه اجتماعات شهری از علوم مختلف در رابطه با مطالعات درون‌شهری بهره برده‌اند، مکتب فکری شیکاگو را

به وجود آورده‌اند. اصطلاحی که در قالب ایجاد تحولات شیکاگو بعد از آتش‌سوزی سال 1871 میلادی به وجود آمد و این مکتب در راستای جنبش نگرانی قرن 19 و 20 حرکت می‌کرد. اصول اساسی این مکتب بر رقابت در مناطق شهری که بر سر زمین شهری صورت می‌گیرد استوار است. به‌طور خلاصه از یافته‌های این مکتب می‌توان نتایج زیر را برداشت کرد:

- 1) مناطق شهر شیکاگو دارای مقادیر متنوعی از قانون‌شکنی و جرم هستند (برخی مناطق بیشتر و برخی دیگر کمتر).
- 2) نرخ جرائم به نسبت فاصله از مرکز شهر متفاوت است.
- 3) بالاترین میزان جرائم مربوط به این مناطق می‌شوند. نواحی که ساختار فیزیکی به هم ریخته‌ای دارند و نواحی که جمعیتشان را از دست داده‌اند.
- 4) نرخ‌های بالای جرم در طول زمان ثابت باقی می‌ماند، حتی اگر ترکیب جمعیتی تغییر نماید.
- 5) جرائم بر خواسته از بی‌سامانی اجتماعی هستند.
- 6) جدایی‌گزینی اجتماعی سبب ترویج تفاوت‌های فرهنگی شده که در نهایت باعث عدم کارایی اجتماعی می‌گردد. در مطالعه اکولوژی اجتماعی خشونت‌های شهری، مشخصه‌های مناطق داخلی شهرها و به‌ویژه میزان درآمد، از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها، وضع ناسالم محیط محله و خانه، سطح تحصیلات و مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای، میزان بیکاری، نسبت مردان مجرد، نسبت مادران کارگر و سرپرست خانواده، تراکم شدید افراد در اتاق، تراکم گروه‌های قومی و مذهبی و میزان مالکیت خانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (حبیبی و سرکارگر اردکانی، 1389: 143).

فضای شهری امن

فضاهای شهری محل تلاقی و واکنش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم است و به دو صورت فضای ذهنی و فضای عینی قابل تمییز است. جنبه‌های ناامنی عینی کلیه رفتارهای ناهنجار مانند سرقت، قتل و خشونت و نزاع را شامل می‌گردد و جنبه‌های

ذهنی آن نیز، شامل داوری در خصوص امنیت منطقه و فضا است. فقر شهری رابطه پیوسته با بی‌سازمانی و ناهنجاری شهر دارد (صالحی، 107:1387). از لحاظ کمی ناامنی را می‌توان به تعداد جرم، پرخاشگری، ماهیت و جنس و سن قربانی‌ها محاسبه کرد که تحلیل این جنبه از مطالعات نیازمند داده‌های به‌روز و صحیح می‌باشد. گاهی مردم برای برخی مکان‌ها حس ناامنی دارند مانند برخی پارک‌ها، ایستگاه‌های مترو و خیابان‌های خاص که این رویه ذهنی از مکان را بعد ذهنی ناامنی می‌گویند. رشد بزهکاری بی‌تردید به یک مسئله و معضل اجتماعی بزرگ تبدیل شده است. که نظام‌های مختلف سیاسی، صرف‌نظر از هر ایدئولوژی حاکم بر آن‌ها، در مهار رشد و تبعات آن، از جمله احساس ناامنی و ترس از سوی مردم، اغلب ناتوانند (نجفی ابرندآبادی، 1377).

در بررسی فضای شهری امن، به سه دسته‌بندی کلی می‌رسیم:

1. سطح کلان (Macro Level): عوامل پیدایش جرم در جامعه (جامعه فراش‌های)،
2. سطح میانه (Medium Level): عوامل پیدایش جرم در سطح شهر،
3. سطح خرد (Micro Level): عوامل پیدایش جرم در مکان‌ها و موقعیت‌های خرد مانند خیابان‌ها.

یک شهر امن به مفهوم عملکرد بهینه همه سطوح برای ایجاد امنیت فراگیر است. امنیت برای حاضرین در شهر از جهت برقراری امنیت دائمی در فضا حیاتی است و برای عابرین، امنیت هنگام تردد در فضا و برای ناظرین، امنیت در زمان حضورشان در فضا اهمیت دارد (صالحی، 110:1387).

به‌طور کلی هفت ویژگی اساسی برای یک شهر امن و ایمن که بر اساس پژوهش‌های علمی صورت گرفته در زمینه‌های طراحی شهری و پیشگیری از جرم صورت گرفته، می‌توان نام برد:

1. دسترسی و جابجایی: مکان‌هایی که در آن‌ها به‌طور مستمر تردد افراد و وسایط نقلیه صورت می‌گیرد ناامن نباشد.
2. ساختار: استفاده بهینه و به‌جا از فضا، عدم تناقض کاربری و ناسازگاری باهم

3. نظارت: مکان برای عموم قابل نظارت و مشرف باشد
4. مالکیت: مکان‌هایی که حس مالکیت، احترام، مسئولیت و ارتباط اجتماعی را تقویت می‌کنند.
5. حفاظت فیزیکی: تجهیزات و امکانات امنیتی مناسب باشند.
6. فعالیت: مکان‌هایی که فعالیت‌های شهروندان در آن جاری باشد، حس امنیت در آن مکان وجود دارد
7. مدیریت و نگهداری: مدیریت و حفاظت صحیح فضاهای شهری مساوی برقراری امنیت.

ضرورت و نقش ضوابط و مقررات شهرسازی

شهر به‌خودی‌خود ساماندهی نمی‌شود و با بزرگ‌تر شدن آن و پیچیده‌تر شدن نظام‌های آن، جامعه سکونتگاهی، به‌ویژه شهرها و کلان‌شهرها، نیازمند قوانین کنترل‌کننده و محدودکننده (در راستای رفاه شهروندان) می‌باشد. وظیفه اصلی قوانین و مقررات ایجاد نظم و صلح در جامعه است. از متداول‌ترین و کاربردی‌ترین قوانین در بهبود شرایط کالبدی-فضایی شهر، ضوابط و مقررات شهرسازی است. این قوانین فصل مشترک علم حقوق و شهرسازی است و این دو علم بر برقراری نظم در جامعه تأکید دارند (صالحی، 1387: 117).

مؤلفه‌ها و معیارهای فضاهای شهری امن

مؤلفه‌های مؤثر بر ایمن‌سازی فضاهای شهری عبارتند از:

- اندازه و فرم فضا
- آسایش بصری و محیطی
- سازمان فضایی و نفوذپذیری
- کیفیت مسکن و کاربری اراضی

در زمینه تفصیل ارتباط هر یک از مؤلفه‌ها با بروز جرم یک مشکل اساسی وجود دارد و آن عدم امکان تشخیص یک ارتباط مستقیم و تعیین‌کننده است. ماهیت چنین روابطی در برنامه‌ریزی و طراحی محیطی به‌طور کامل برای ما مشخص نیست، بلکه، تفسیر ما از ارتباط مؤلفه‌های مذکور با وقوع جرم اغلب احتمالی و امکانی است تا ارتباط مستقیم و علت و معلولی (بحرینی، 49:1377).

پیشینه تحقیق

به‌نظر می‌رسد افزایش میزان جرم و جنایت و خشونت‌های شهری در بیشتر کشورهای جهان و طرح دیدگاه‌های جدید پیرامون مکان و جرم و لزوم بررسی عوامل مکانی-فضایی این کج‌روی‌ها و شناسایی مکان‌های مستعد برای ارتکاب بزه در شهرها و تلاش برای پیشگیری و کاهش آن، علت اهمیت یابی بررسی‌های جغرافیای جرم در مقطع کنونی است.

روش‌های بسیاری برای مقابله با جرم در شهرها در گذشته معرفی شدند ولی اکنون رویکرد برنامه‌ریزی فضایی جهت پیشگیری از جرم جایگزین روش‌های پیشین شده است؛ بنابراین، در جوامع پیشرفته تحقیق برای به‌کارگیری تدابیر و تکنیک‌های برنامه‌ریزی شهری مانند فضاهای قابل دفاع یا پیشگیری از جرم دارای اولویت هستند. تئوری فضای قابل دفاع، تئوری فرصت‌ها، تئوری فعالیت‌های روزمره، تئوری انتخاب عقلانی، تئوری وقوع جرم بر اساس موقعیت و تئوری پنجره‌های شکسته و غیره. تئوری‌هایی هستند که برای پیشگیری از جرم، از طریق برنامه‌ریزی شهری تأکید دارند.

بررسی نظریه‌ای و پژوهشی مؤثر در زمینه فضاهای قابل دفاع، توسط جیکوب در سال (1961) و نیومن در سال (1972) مطرح‌شدن دو سپس بعد از ارائه این رویکردهای اساسی در زمینه مورد بحث، نظریه‌ها و مفاهیم فضایی بعد از سال 1990 مورد توجه محققان این عرصه قرار گرفت و پژوهش در زمینه پیشگیری از وقوع جرم بر اساس ویژگی‌های محیطی، تأکید بر روی تلفیق دو روش عمده؛ سیستم اطلاعات جغرافیایی و پیشگیری از وقوع جرم از طریق محیط تأکید دارد. عده‌ای از پژوهشگران وجود برخی کاربری‌ها را در شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز شهری مؤثر دانسته‌اند. شرم، گارتین و برگر از جمله کسانی هستند که به ارتباط نوع کاربری و شکل‌گیری

کانون‌ها اشاره می‌کنند. برگر از جمله کسانی هستند که به ارتباط نوع کاربری و شکل‌گیری، کانون‌ها اشاره کرده‌اند (شرمن، 1989:2).

گرین برگ و کولگز مطالعه‌هایی در خصوص رابطه میان میزان جرم و خصوصیت‌های فیزیکی و کاربری زمین در آتلانتا انجام دادند. آن‌ها دریافتند که موقعیت اقتصادی-اجتماعی واحدهای همسایگی و کاربری زمین مثل مناطق صرفاً مسکونی در مقابل نواحی مختلف (مسکونی و تجاری) باعث بروز میزان خاصی از ناهنجاری‌های اجتماعی (ویدام و فینس، 1997:9).

درزمینه تأثیر عوامل محیطی و شرایط اجتماعی در بروز جرم، تحقیق‌هایی مانند پیناتل، ساترلند، استفانی و غیره انجام شده است. در سال 1935 راسن با بررسی آمارهای قضایی انگلستان و ولز مطالعه‌هایی درزمینه جغرافیایی جنایت به عمل آورد. این محقق نواحی انگلستان و ولز را به حوزه‌های کشاورزی، کارخانه‌ای، معدنی و متروپلیتن تقسیم می‌کند و در مطالعه‌های خود به این نتیجه می‌رسد که تراکم جمعیت، یکی از علل اصلی افزایش جرم و جنایت است (کلانتری، 1380:56).

پل برانتینگهام بر اساس پژوهشی که در سال 1981، با استفاده از تحلیل شاخص‌ها و عوامل اثرگذار بر مکان جرم، چرایی وقوع یک جرم در مکان مشخص و اثرات وقوع جرم در یک مکان را مورد ارزیابی قرار دادند (Kirl & Dong: 2014,3).

تحقیق دیگری توسط ویل چیو (while chio) در سال 2003 انجام شد و به این نتیجه رسید که توزیع جرم وابسته به عوامل مختلف فضایی می‌باشد، بنابراین، با استفاده از تحلیل تراکم جرم و بر مبنای فاصله توزیع جرائم به این نتیجه رسید که بین ساختارها و تسهیل‌های متنوع شهری و وقوع بزه ارتباط معنادار وجود دارد. چیو نیز با استفاده از تحلیل آمارهای فضایی برای الگوهای توزیع فضایی جرم استفاده نمود.

تحقیق دیگری توسط چنگ، در سال 2004 صورت گرفت، وی ثابت کرد در میزان وقوع جرم، سن ساختمان نسبت به سایر عوامل تأثیر بیشتری در وقوع جرم دارد و ساختمان‌هایی با سن کمتر میزان بزه بیشتری را دارند. درحالی‌که لی (2001) تراکم ساختمانی را در میزان نرخ بالای جرم مؤثرتر می‌داند. هانگ در سال 2008، طرحی برای بهبود طراحی محیط‌زیست برای کاهش حس ناامنی انجام داد. وی در بررسی خود

رابطه بین مکان‌های جرم خیز و احساس رضایت را بررسی کردند و تحقیق دیگری توسط ویل کیم در سال 2007 در بررسی‌های خود تأثیر طراحی محیط در کاهش حس ناامنی ارزیابی کردند.

این یافته‌ها کمک مؤثری به پیشگیری از جرم از طریق طراحی مناسب‌تر محیط‌های شهری همراه با امکان کنترل اجتماعی و نظارت غیررسمی شهر، شناسایی کانون‌های جرم خیز و کنترل بهتر این مکان‌ها و تغییر آن‌ها به فضاهای مقاوم در برابر جرم کرده است. در این میان، پیشرفت‌های فنی ابزارهای پژوهش جغرافیا مانند سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) طی سال‌های اخیر موجب شد تا پژوهش‌های جغرافیای جرائم شهری وارد عرصه نوینی در زمینه پژوهش و برنامه‌ریزی پیشگیری و مقابله با بزهکاری شود.

در ارتباط با تأثیرهای طراحی محیط بر کاهش جرم، مون و چنگ در سال 2008، به این نتیجه رسیدند طراحی محیطی می‌تواند وقوع جرم را کاهش دهد روش کار آن‌ها بر مبنای تشریح ارتباط ساختار دینامیکی وقوع جرم و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و فضایی پرداختند (Kirl&Dong: 2014,3).

پژوهشی با عنوان رابطه بین رخداد جرم در محیط‌های مسکونی و محیط ساخته‌شده محلی: تعیین تأثیرهای طراحی محیط در پیشگیری از جرم (CPTED)؛ توسط (Dong-Wook Sohn) در سال 2015 انجام شد، این پژوهش با تأکید بر تأثیر دو فضا (فضای نفوذپذیر و فضای قابل دفاع) تلاش دارد به کاهش جرائم در فضاهای مسکونی منتج شود. برای شناسایی توزیع فضایی جرم و جنایت در مناطق مسکونی، یک منطقه به‌عنوان نمونه برای اندازه‌گیری جرائم سرقت و دزدی مورد سنجش قرار گرفت و نتیجه نشان داد که بین نسبت نواحی مسکونی، میانگین ساختمان‌های موجود، تراکم ایستگاه اتوبوس، تراکم خیابان و تراکم تقاطع‌ها و چهارراه‌ها و تراکم جمعیتی موجود و وقوع جرائم در محدوده‌های مسکونی ارتباط وجود داشت و نیز محله‌های با متوسط درآمد و فاصله بیشتر با ایستگاه‌های پلیس میزان وقوع جرم بیشتری داشتند (Dong-Wook Sohn:2015).

بیانلو و منصوریان (1385) در پژوهش خود با عنوان رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم، به تبیین رابطه بین عوامل جمعیت شناختی و بوم‌شناختی با نرخ جرائم،

همچنین شناسایی نقاط جرم خیز و جرائم خاص هریک از مناطق هشتگانه شهر شیراز پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد با تراکم جمعیت با متغیرهای نرخ قتل، جعل اسناد، کلاهبرداری، کیف‌قاپی و سرقت‌های عادی رابطه معناداری داشت، ولی تراکم جمعیت با متغیرهای نرخ آدم‌ربایی، سرقت‌های مسلحانه و غصب عناوین رابطه معناداری نداشت.

محسنی (1386)، تحقیقی با عنوان «نقش گشت کلانتری و پاسگاه در پیشگیری انتظامی در سرقت از منزل‌ها شهرستان رشت» به این نتیجه رسیده که آمادگی جسمانی، توانایی و استفاده از تجربه‌های علمی کارکنان گشت کلانتری و پاسگاه در پیشگیری از سرقت مؤثر است، از طرفی، داشتن تجهیزات و ارائه خودرو و موتورسیکلت مناسب و حضور مستمر و مؤثر گشت در بیشترین ساعت‌های وقوع جرم در مناطق آلوده و جرم‌خیز در پیشگیری از سرقت بیشترین تأثیر را دارد.

عباسی (1387)، در پایان‌نامه کارشناسی خود با عنوان شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز شهر قزوین با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، نمونه موردی: بزه قاچاق و سوء‌مصرف مواد مخدر در شهر قزوین، اقدام به بررسی کانون‌های جرم خیز مواد مخدر شهر قزوین پرداخته است. نتیجه پژوهش وی نشان می‌دهد که مهم‌ترین کانون‌های جرم خیزی قزوین در هادی‌آباد و نواب و عمری محله واقع شده است؛ که جزء محدوده‌های پرازدحام و متراکم شهر که دارای ساختار کالبدی نامناسب با امکان کنترل کمتر می‌باشد، صورت گرفته است.

شاهپوندی و همکاران (1388) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر توزیع فضایی جرائم در مناطق شهر اصفهان، به بررسی رابطه بین متغیرهای محیطی با متغیرهای نوع جرم، نحوه پراکندگی جرائم و شناسایی مناطق جرم خیز در مناطق شهر اصفهان پرداخته‌اند، نتایج نشان می‌دهد که بیشترین نرخ جرم از میان تعداد نمونه مورد نظر، به صورت سرقت بوده است و بیشترین جرائم در محله‌های مسکونی به وقوع پیوسته است و بین متغیرهای زمان وقوع جرم و نوع جرم، مناطق وقوع جرم و نوع جرم. تراکم جمعیت و تعداد جرائم، رابطه معناداری وجود دارد.

عباسی و همکاران (1388)، در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت علمی کانون‌های جرم خیز با استفاده از (GIS) مورد مطالعه انواع جرائم سرقت در شهر قزوین» به این نتیجه رسیده‌اند که

با تکیه بر توانمندی‌های سامانه اطلاعات جغرافیایی، ابتدا به شناسایی کانون‌های جرم‌خیز انواع جرائم سرقت در شهر به‌پردازند و سپس اقدام به طراحی و تهیه لوحه‌های گشت تخصصی انواع جرائم سرقت به تفکیک محدوده کلانتری‌ها در بازه زمانی هفتگی نمایند که موجب چیدمان و آمایش صحیح نیروها در مکان‌ها و زمان‌های مسئله‌دار گردید که به‌طور مستقیم و بسیار مؤثر موجب ارتقای امنیت در محدوده شهر می‌گردد.

کلانتری و همکاران (1388)، در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی کانون‌های جرم‌خیز شهری با استفاده از مدل‌های آماری گرافیک مبنا (GIS)، مطالعه موردی شهر زنجان به این نتیجه رسیده‌اند که نوع و میزان کاربری‌ها و نحوه توزیع آن در سطح شهر زنجان و نوع استفاده از محیط کالبدی این شهر، در ایجاد زمینه‌ها و شرایط ارتکاب بزه مؤثر بوده است؛ بنابراین با شناخت، اصلاح و کنترل مشخصه‌های مکانی و ویژگی‌های محیطی که در اندیشه یک مجرم بالقوه برای ارتکاب بزه مناسب و مفید تشخیص داده می‌شود، می‌توان از بروز انواع بزهکاری در محله‌های شهر پیشگیری کرد، همچنین با شناسایی کانون‌های جرم‌خیز می‌توان از شکل‌گیری محدوده‌های آلوده در آینده پیشگیری و مناطقی را که در آینده احتمال آلودگی آن‌ها زیاد است، شناسایی کرده و تحت کنترل درآورد. از سوی دیگر، تحلیل مکان‌های جرم‌خیز این فرصت را فراهم می‌آورد تا پلیس به‌تواند سریع‌تر و مؤثرتر نسبت به بزهکاری واکنش نشان دهد و نسبت به کشف جرم و تعقیب و دستگیری مجرمان عمل کند.

کلانتری و همکاران (1389)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فضایی الگوهای بزه سرقت در بخش مرکزی شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی» به این نتیجه رسیده‌اند که بین عامل تراکم جمعیت و وقوع بزهکاری و شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز ارتباط و همسویی قابل توجهی وجود ندارد، همچنین نحوه استفاده از اراضی شهری می‌تواند در ایجاد زمینه‌ها و شرایط ارتکاب بزه مؤثر باشد. از سوی دیگر، برخی خصیصه‌های مکانی، مانع و عامل بازدارنده تبهکاری می‌باشد؛ بنابراین نوع و میزان کاربری اراضی در محدوده بخش مرکزی شهر زنجان در توزیع جغرافیایی نوع و میزان جرائم و شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری در این محدوده از شهر تأثیرگذار بوده است.

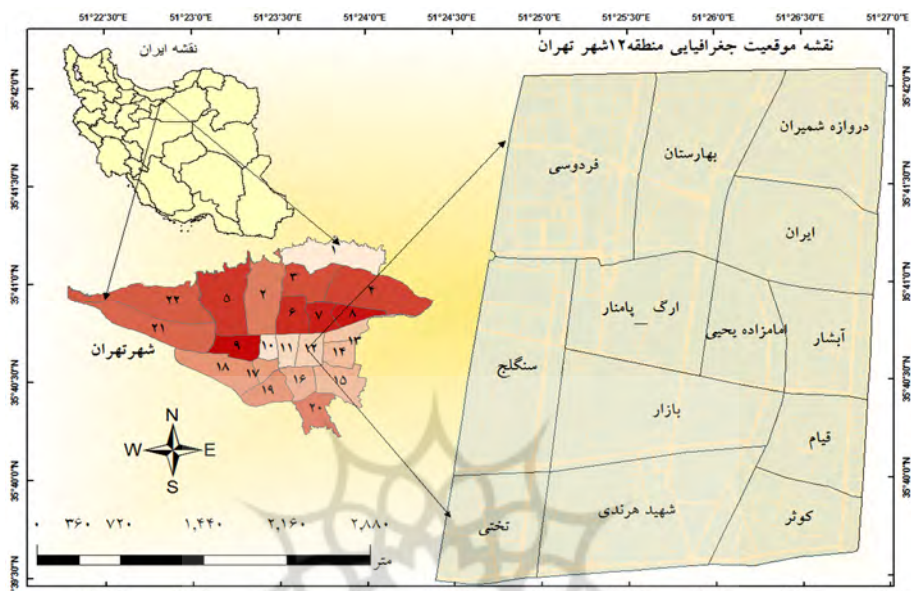
کلانتری و همکاران (1389) در مقاله خود با عنوان بررسی جغرافیایی کانون‌های جرم خیز شهر زنجان مطالعه موردی؛ جرائم مرتبط با مواد مخدر، با هدف تحلیل سازمان فضایی ناهنجاری‌ها و شناسایی الگوهای مکانی و عوامل تسهیل‌کننده ارتکاب جرائم، به بررسی کانون‌های جرم خیزی شهری در شهر زنجان پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که توزیع فضایی جرائم مواد مخدر در شهر زنجان از الگوی متمرکز پیروی می‌کند و مهم‌ترین کانون‌های جرائم مرتبط با مواد مخدر در شهر زنجان بر منطقه اسکان غیررسمی بی‌سیم (نجف‌آباد) انطباق یافته است. این منطقه از محدوده‌های مسئله‌دار شهر زنجان از نظر کالبدی، جمعیتی و با نرخ تراکم بالا و با محدودیت‌های زیاد از نظر سرانه‌های خدماتی و تجهیزات و تأسیسات شهری است، به‌گونه‌ای که بسیاری از کاربری‌های ضروری یا در این منطقه وجود ندارد و یا با کمبود مواجه است.

کلانتری و همکاران (1390)، مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی مکانی - فضایی مناطق جرم‌خیز در بافت‌های آسیب‌پذیر» به این نتیجه رسیده‌اند که جرائم شهری ظرف مکانی - زمانی منحصر به فردی دارند. نقاطی از شهر که از نظر کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزء نقاط آسیب‌پذیر به حساب می‌آیند، از نظر بزهکاری و جرم سهم بیشتری دارند. مکان‌های آسیب‌پذیر و بافت‌های فرسوده، سهم بیشتری از بزهکاری و جرم دارند. در ارتکاب جرم، بررسی شرایط کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که این نقاط را به بافت‌های آسیب‌پذیر و ناپایدار تبدیل کرده است، مؤثر است؛ بنابراین شناسایی بافت‌های آسیب‌پذیر و ناامن باعث خواهد شد تا ضمن شناسایی و تشخیص صحیح کانون‌های جرم‌خیز، محدوده‌های تمرکز و تراکم بزهکاری در سطح شهرها تحلیل شده و ضمن شناسایی عوامل این تمرکز، راهبردها و سیاست‌های مناسب برای حذف یا کاهش اثر این عوامل ارائه شود.

محدوده مورد مطالعه

منطقه 12 با وسعت 1600 هکتار (2/3 درصد محدوده تهران)، بیش از سه‌چهارم تهران ناصری (مرکز تاریخی تهران) را پوشش می‌دهد. این منطقه از شمال به مناطق 6 و 7 (خیابان انقلاب)، از شرق به مناطق 13 و 14 (خیابان 17 شهریور)، از جنوب به مناطق

15 و 16 (خیابان شوش) و از غرب به منطقه 11 (خیابان حافظ و وحدت اسلامی) محدود می‌شود، نقشه شماره 1-1.



نقشه 1-1 موقعیت جغرافیایی منطقه 12 شهر تهران را نشان می‌دهد

مآخذ: نگارندگان

یافته‌های تحقیق

شهرنشینی به پدیده غالب جوامع در سطح بین‌المللی تبدیل شده است و روزانه بر درصد شهرنشینی افزوده می‌شود و در ایران بالای 70 درصد شهروندان شهرنشین هستند. این بدان معناست که شهرهای ما دارای سیستمی پیچیده‌تر، پویاتر و وسیع‌تری خواهند شد. نظام‌های شهری دچار تحول در سطوح گوناگون و در صورت‌های متنوع خواهند شد. میزان شهرنشینی به صورت مساوی در سطح ملی توزیع جغرافیایی نشده است بلکه، کلان‌شهرها و شهرهای مرکزی در نظام‌های سیاسی‌اداری جهان سوم دارای بیشترین میزان شهرنشینی و در نتیجه بیشترین میزان ناهنجاری‌های اجتماعی نیز هست. در این میان کلان‌شهر تهران به عنوان مرکزیت سیاسی‌اداری اقتصادی و اجتماعی در ایران و بیشترین میزان شهرنشینی و به تبع آن بیشترین ناهنجاری‌های رخ داده گویای این امر است. در سطح منطقه‌ای نیز قسمت‌هایی از شهر دارای نرخ بالایی از ناهنجاری‌ها هستند

مانند بافت‌های فرسوده، سکونتگاه‌های غیررسمی، مراکزی از شهر که بستر جرم خیزی دارند و در آنجا اصول ایمنی در برابر جرائم صورت نگرفته مانند فضایی در شهر که مرکز امور مالی (بانکی)، تجاری، مختلط مسکونی تجاری و غیره هستند.

محدوده مورد مطالعه برای پژوهش حاضر با نگاه به این مسئله که کدام مکان‌ها در شهر با توجه به پژوهش‌های پیشین دارای جرم خیزی بالایی هستند انتخاب گردید، منطقه 12 شهر تهران در میان سایر مناطق مرکزی تهران در جمع مناطق مستعد جرم‌خیزی بوده است. رویکرد این پژوهش با توجه به موضوع آن، رویکرد فضایی-مکانی بوده است و تلاش دارد عوامل مؤثر بر ایمن‌سازی فضاهای شهری با تأکید بر مسکن را شناسایی کرده و راهبردهای مؤثر در جهت ایمن‌سازی فضاهای مسکونی را ارائه دهد.

در تحلیل جرم در فضاهای مسکونی در منطقه 12 شهر تهران از طریق فرم برای متخصصان، مدیران، مردم و نیز شاخص‌ها و مؤلفه‌های علمی استخراج‌شده و تقسیم‌بندی گردد، به‌طور عمده دنیروی عمده در ایمن‌سازی مسکن مؤثر هستند؛ دسته اول، نیروهای بیرونی و دسته دوم، نیروهای درونی.

عوامل و نیروهای بیرونی

- نهادهای امنیتی و انتظامی در رأس اجرا و انتظام بخش جامعه
- مدیریت شهری (شهرداری تهران)
- به‌عنوان نقش مدیریت شهری در امر مسکن
- سازندگان مسکن (خصوصی، انبوه‌سازان و دولتی)
- نهادهای مردمی و داوطلبانه
- رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی (آموزش، اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و بسترسازی مشارکت مردمی برای کاهش جرم)

عوامل و نیروهای درونی

- عناصر و عوامل کالبدی (نظیر نما و ظاهر ساختمان، ارتفاع دیوار، پنجره‌ها)

- قابلیت نظارت طبیعی و انسانی (دوربین‌های مداربسته و گشت نیروی انتظامی)
- کاربری‌ها (ترکیب کاربری‌های مسکونی-تجاری-اداری، موقعیت کاربری‌ها به‌طور مثال بانک‌ها)
- روشنایی در سطح محله‌های مسکونی
- ازدحام (تراکم شدید جمعیتی، عرض کم پیاده‌رو و گذر، تجمع افراد محله‌ها، گذرها و غیره)
- دسترسی و نفوذپذیری

تحلیل راهبردی اثرگذاری نیروهای بیرونی در ایمن‌سازی مسکن

برای تحلیل سطوح جرم‌خیزی در فضاهای مسکونی منطقه 12 شهر تهران، برای عوامل بیرونی از مدل سوات استفاده گردیده است در این مدل راهبردی شاخص‌های (نیروهای) مؤثر بر ایمن‌سازی مساکن منطقه ارزیابی و نظرات کارشناسی اعمال شده است. در این میان، در بین نهادهای دولتی و اجرایی در سطح منطقه نهاد شهرداری به‌عنوان متولی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری سطح منطقه به‌عنوان مهم‌ترین نیروی اثرگذار در ایمن‌سازی مساکن شناخته شده است. مدیریت شهری در قوانین و مقررات خود چه در حوزه تخصصی ایمنی و چه در ساختارهای ایمن‌ساز شهر، نقش مستقیم و غیرمستقیم در ایمن‌سازی مسکن داشته است. با تحولات بافت شهری منطقه و تبدیل بافت‌های فرسوده و ناامن به فضاهای نوسازی شده از گام‌های مدیریتی نهاد شهرداری بوده است. ولی همین امر نیز گرچه سطح قانونی و اجرایی برای این امر تعریف شده است ولی به دلیل نبود راهکارهای نوین، کمبود منابع مالی و عدم یکپارچگی سازمانی و نهادی از جمله دلایل عدم توفیق مدیریت شهری در رفع معضل بافت‌های فرسوده منطقه بوده است. نگاه ساختاری به معضل جرم و راه‌های پیشگیری از آن، نهاد شهرداری را تنها و اساس مشکل نمی‌داند بلکه سایر نهادهای مردمی، انتظامی و نظامی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه و نیز سازندگان مسکن در امر ایمن‌سازی مسکن مؤثر هستند.

در ادامه نیروهای اثرگذار بر ایمن‌سازی مسکن را به‌صورت جدول تک‌به‌تک ذکر می‌شود، جدول 1:

جدول 1: جدول راهبردی سوات در شاخص مدیریت شهری

نهاد مدیریت شهری (شهرداری)		
توانمندی‌ها	بی‌توجهی به بعد ایمن‌سازی مسکن در برابر جرم	یک‌نهاد با عاملیت مدیریت کلان شهری
	نبود قوانین و مقررات موضوعی (پیشگیری از جرم)	اقدامات برنامه‌ریزی شهری (پیگیری اهداف...)
	عدم یکپارچگی سازمان‌های دخیل در ایمن‌سازی مسکن	دارای نهادهای محلی برای نظارت بر ساخت
	صدور پروانه ساخت به مسکن ناامن	قدرت ایجاد محدودیت تردد در گذرگاه‌ها
تهدیدها	عدم توجه به اصول و شاخص‌های توسعه پایدار	تصرف یا بهره‌برداری از اراضی مخروبه و خالی
	ساختار اقتصادی و اجتماعی ساکنین	برخورداری از قوانین و مقررات (قدرت دخالت و نفوذ)
	عدم مشارکت ساکنین در ایمن ساختن مسکن	بازسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده منطقه
	مشکل شناسایی قطعات مسئله‌دار	مسکن امن، در کاهش هزینه شهرداری‌ها مؤثر می‌باشد
	بافت کالبدی منطقه	یک ابزار قوی برای ساماندهی فضای شهری
ادامه رویکرد چالشی و حکم‌فرمانی بجای حکمروایی	خواست مردم منطقه برای ایمن‌سازی مسکن موجود	

منبع: نگارندگان

اصلی‌ترین نهاد مدیریت شهری در سطح محلی و منطقه‌ای در ایران و بخصوص تهران، نهاد شهرداری تهران است این نهاد مدیریتی، در بستر قوانین و مقررات و در چارچوب نگرش فضایی-مکانی سلسله اقداماتی برای پیشبرد راهبردهای شهر انجام می‌دهد. بنابراین، با توجه به موضوع پژوهش که نهادها و عناصر ایمن‌سازی مسکن شهری در منطقه 12 بررسی می‌گردد در اینجا به تحلیل نقش شهرداری پرداخته می‌شود. همان‌گونه که در جدول 1 مشاهده می‌شود، شهرداری ابتدا به‌عنوان قانونی و مدیریتی در سطوح مختلف و در نقش‌های مختلف مشهود است. مهم‌ترین راهبردها در چارچوب نگرش راهبردی فضایی-مکانی عبارتند از:

- شهرداری به‌عنوان نهاد قانونی دارای اختیارات تام در زمینه صدور پروانه‌ها، پروانه اتمام کار ساختمانی و تعیین کاربری‌ها، رعایت اصول ایمن از هر لحاظ می‌باشد.
- بروز کردن قوانین و مقررات و گنجاندن قوانین مرتبط با ایمنی مسکن در برابر جرم و تبادل نظر با نهاد نیروی انتظامی محل و ناحیه (ازلحاظ اصول انتظامی و امنیتی برای مسکن)
- چاره‌جویی برای بافت‌های فرسوده، ازدحام، کاربری‌های بسترساز جرم (بانک‌ها، طلافروشی‌ها و پاساژها)

- تسریع نوسازی و ساماندهی بافت‌های مسئله‌دار منطقه
- کاربست رویکرد تعاملی، کنشگری و مردمی برای حل معضلات ایمنی (ذهنی و عینی) چراکه در سطح منطقه نگاهی به وجود ناامنی وجود دارد.
- کاربست رویکرد شهرسازی پایدار در منطقه و ایجاد چشم‌اندازهای مطلوب شهری
- نگاه به مسئله ایمنی مسکن به‌عنوان بعد اصلی رفاه شهروندان و الزام متولیان مسکن و سازندگان مسکن برای رعایت اصول ایمنی (حیاط‌خلوت، درب‌های ورودی و خانه‌ها و استفاده از دوربین‌های مداربسته در سطح منطقه)
- استفاده از ظرفیت‌ها، منابع و متخصصین این حوزه در سطح منطقه برای چاره‌جویی معضلات، (جدول 2).

جدول 2: جدول راهبردی سوات در شاخص نیروی انتظامی

نیروی انتظامی (نهاد امنیتی در شهر)		
نهاد اجرایی و عملیاتی	کمبود امکانات و ابزارآلات جدید	نقاط قوت
پشتوانه قانونی و حقوقی	نبود اطلاعات و داده‌های مکانی و زمانی در سطح خرد	
کاربست روش‌های نوین در شناسایی و اقدام	عدم جلب مشارکت مردم محلی در ارائه راهکارها	
پژوهش محوری	نبود نگرش فضایی-مکانی به جرم و پیشگیری از جرم	
گشت زنی پیوسته در سطح منطقه	کوتاهی نیروهای گشت	ضعف‌ها
ابزار قانونی در اختیاردارند	ضعف قوانین و مقررات	
اعتماد مردم به این نهاد در امر امنیت شهر	گروه‌های فشار و ذینفع	
کاربرد بالای نرم‌افزارها و سخت‌های نوین در پیشگیری	ضعف دانشی و فنی متخصصان حوزه اجرایی و عملیاتی	
استفاده از تکنیک‌ها و ابزارهای مکانی (سیستم اطلاعات)	نگزش فنی و مکانیکی صرف	
استفاده از تجربیات کشورهای مختلف	ساخت کالبدی منطقه	

منبع: نگارندگان

نگاه به نقش نیروی انتظامی در ایران به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد مجری ایمنی در سطوح مختلف، نقش سایر نهادها را به حاشیه کشانده است درحالی‌که نیل به رفاه شهروندی تنها با تعامل و یکپارچگی همه نهادها و سازمان‌ها و مردم امکان‌پذیر است. نهاد نیروی انتظامی در راه اجرای قوانین و مقررات و حافظ جان و مال شهروندان، با پیچیده شدن شهرها و مسائل آن نیز دچار مشکلاتی شده است که مرتفع ساختن آن نیازمند کاربست رویکرد راهبردی،

تعاملی، نوآوری و مردمی می‌باشد. مهم‌ترین راهبردهای این نهاد برای نیل به ایمنی پایدار شهری در فضاهای مسکونی شهری به شرح زیر است:

- کاربست نگرش پذیرفته‌شده تعاملی (نهاده‌ها، مردم، نیروی انتظامی و امنیتی)
- توجه ویژه به جرائم در سطح کاربری‌های مسکونی (ارائه راهکارهای نوین، آموزش و اطلاع‌رسانی و دخالت در صدور پروانه‌های ساختمانی)
- استفاده از ابزارهای فناورانه نوین (گشت زنی نیروهای پلیس، شناسایی کانون‌های جرم‌خیز و تحلیل زمانی آن‌ها و کاربست سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS).
- گشت زنی پیوسته در سطوح جرم‌خیز منطقه (محله هرنندی، سنگلج و فردوسی)
- بازنگری در مکان‌یابی ایستگاه‌های پلیس در منطقه و به‌ویژه محله‌های بازار، هرنندی و بهارستان که بسترهای جرم‌خیزی بالایی دارند، (جدول 3).

جدول 3: جدول راهبردی سوات در شاخص متولیان ساخت مسکن شهر

متولیان ساخت مسکن در شهر	
نقاط قوت	ساخت مسکن به‌عنوان محرک توسعه منطقه
	کاهش فضاهای خالی و خانه‌های مخروبه و کنج‌ها
	افزایش نظارت مردم بر منطقه
	تنوع‌بخشی به منطقه (عدم غلبه کاربری خاص)
فرصت‌ها	پیشرفت در مصالح، ابزارآلات ایمنی ساختمان
	بافت‌های فرسوده گسترده سطح منطقه
	تبدیل اراضی بدون استفاده به کاربری‌های فضای سبز و پارکینگ و مراکز فرهنگی و هنری
	تعریف خط آسمان مشخص برای افزایش ایمنی محیطی
	زمینه تاریخی، اقتصادی و اجتماعی منطقه
تعریف ضوابط و ابزارآلات مشخص برای مسکن امن	
نقاط ضعف	عدم استفاده از اصول طراحی محیطی امن
	تبدیل مسکن مخروبه و زمین‌های خالی به محل تجمع معتادان و کاربری‌های بدون استفاده برای منطقه
	در نظر نداشتن اصول معماری ساختمانی (طراحی نما و...)
	تنوع کاربری که ازدحام فضایی را ناشی شده است
تهدیدها	عدم استفاده همگانی از ابزارآلات ایمنی (پیشگیری جرم)
	سهم بالای منطقه از بافت‌های نابسامان و فرسوده
	ضعف قوانین مالکیتی و تعریف قوانین مشخص کاربری اراضی در سطح منطقه برای اراضی بدون استفاده
	تجمع افراد معتاد، متکدیان و دست‌فروش‌ها
قرارگیری بازارهای سنتی تهران و مراکز تجاری عمده	
غلبه مالکین شخصی به‌عنوان متولی ساخت مسکن	

منبع: نگارندگان

در ساخت مسکن در ایران، اغلب نقش سازندگان خصوصی مسکن پررنگ است، این سازندگان بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته در ایران و بخصوص در سال‌های اخیر میلی به کاربست اصول ایمنی در ساختمان‌ها را ندارند و تنها به اتمام و سرانجام رسیدن پروژه خود توجه دارند و نهادهای نظارتی و قانونی نیز در جامع‌نگری پروانه‌های ساخت مسکن مشکلات جدی دارد در سطح منطقه نیز شرایط کلی حاکم است. راهبردهای پیش روی متولیان ساخت مسکن به شرح زیر است:

- کاربست رعایت اصول ایمنی ساختمان
- ارائه تسهیلات و تشویق‌ها به سازندگان مسکن برای سازندگان مسکن امن
- در کنار زیباسازی مسکن به بعد ایمنی آن نیز توجه گردد چراکه، بعد ایمنی بسترساز زندگی در آسایش نیز هست
- غالب نشدن نگاه بازاری و مالی به مسکن
- تعیین تکلیف اراضی بایر و مخروبه در اولویت اول
- سرمایه‌گذاری در بخش‌های فرسوده شهری منطقه 12. (جدول 4).

جدول 4: جدول راهبردی سوات در شاخص شبکه‌های اجتماعی، رسانه و مراجع اطلاع‌رسانی

شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و مراجع اطلاع‌رسانی	
عدم استفاده کامل از ظرفیت‌های این شبکه‌ها	یک نیروی مؤثر در جامعه شهری
عدم آگاهی‌رسانی صحیح به مردم	افزایش آگاهی مردم و گروه‌های اجتماعی
نبود نگاه ساختاری و فضایی در امور پیشگیری	اطلاع‌رسانی، آموزش، بسترسازی
نبود رسانه‌های محلی (کلی‌نگری رسانه‌های ملی)	معرفی ابزارها، استانداردها و محدودیت‌های مسکونی
ضعف ساختارهای مشارکت‌جویی شبکه‌ها و رسانه‌ها	افزایش مشارکت مردم
استفاده نادرست از این ابزارهای امروزی	بسترسازی امنیت ذهنی و عینی
انحراف رسانه‌ها و شبکه‌ها از مسیر اصولی	ایجاد بسترهای گفتگوها برای پیشگیری از وقوع جرم
عدم به‌کارگیری روش‌های نوین در اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی	آموزش به‌عنوان رکن اصلی شهر امن
نبود یک تعریف روشن و مشخص از جرم، میزان آن و پیشگیری	رسانه‌ها به‌عنوان نیروی چهارم ایمن‌سازی مسکن شهر
نگاه تک بعدی به مسئله پیشگیری (فقط نقش پلیس)	آگاهی دادن مردم به مسئولیت‌های اجتماعی (پیشگیری)

منبع: نگارندگان

یک عامل بیرونی مهم در همه شئون زندگی مردم امروزه به‌ویژه در شهرها و کلان‌شهرها، نیروی اجتناب‌ناپذیر رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های اطلاع‌رسانی محلی می‌باشد. دیگر زمان صرف هزینه‌های گزاف برای نیل به هدفی خاص و برای انتقال به مردم گذشته است و امروزه این کار با راهبرهای مشخص رسانه‌ها امکان پذیر است. مهم‌ترین راهبرهای این نیرو به شرح زیر است:

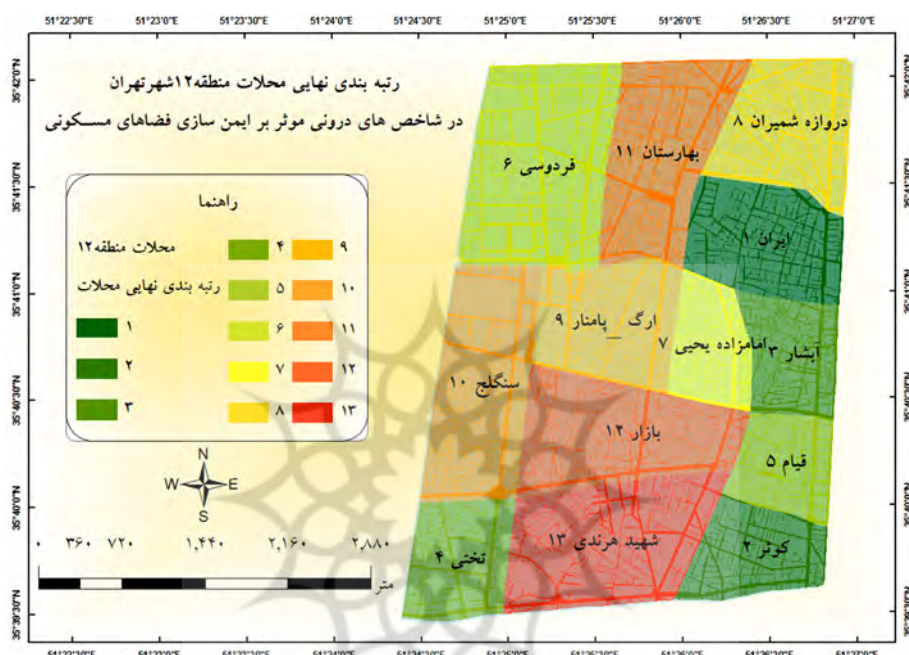
- رسانه به‌عنوان بازوی قدرتمند سایر نهادها (نیروی انتظامی، شهرداری و نهادهای دولتی دخیل در ایمن‌سازی مسکن
- رسانه‌ها به‌عنوان ناظر محلی و در همه زمان‌ها وجود دارند
- کاربست رویکردهای علمی، منطقی و صداقت در انتشار اخبار
- انجام رسالت اصلی خود به‌عنوان اطلاع‌رسان و آگاهی دهنده
- توجه ویژه به مسکن، مسکن امن و جرم در سطح شهر
- تعریف و انتشار اصول خانه‌های امن در رسانه‌ها و تأکید بر این بعد از مسکن
- بسترسازی زمینه مشارکت فعال مردم به‌عنوان بازوی اصلی ایمن‌سازی شهر
- معرفی ابزارها، فناوری‌های نوین حوزه مسکن و ساختمان به‌ویژه در حوزه ایمن‌سازی مسکن

تحلیل نیروهای درونی مؤثر بر ایمن‌سازی فضاهای مسکونی

شاخص‌های درونی مؤثر بر ایمن‌سازی فضاهای مسکونی در منطقه 12 به عوامل و نیروهایی اشاره دارد که در درون محله‌ها و وابسته به شاخص‌های درونی محله‌های مسکونی می‌باشد. در این پژوهش فقط شاخص‌هایی مورد استفاده و مورد تحلیل قرار می‌گیرند که در ارتباط با ایمن‌سازی مسکن بوده‌اند. این شاخص‌ها با توجه به نظرات کارشناسانه، شاخص‌های پایه و مراجع علمی معتبر خارجی در نظر گرفته شده است. این تحلیل‌ها در نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) صورت می‌پذیرد تا دید بهتری از مسئله را نشان دهد. شاخص‌ها (فیزیکی، نظارت طبیعی و انسانی، ازدحام، قابلیت نمایانی، روشنایی، دسترسی و کاربری اراضی)

رتبه‌بندی نهایی محله‌ها منطقه 12 از نظر ایمنی فضاهای مسکونی

با تلفیق شاخص‌های درونی مؤثر بر ایمن‌سازی فضاهای مسکونی در محله‌های شهری منطقه 12 شهر تهران، یک نقشه نهایی را می‌توان مشاهده کرد؛ در این نقشه یک پهنه‌بندی از محله‌ها را نشان می‌دهد، (نقشه 2):



نقشه 2: رتبه‌بندی نهایی محله‌های منطقه 12 بر اساس شاخص‌های درونی ایمن‌سازی مسکن در منطقه 12 شهر تهران
منبع: نگارندگان

با توجه به تحقیق‌های میدانی و کتابخانه‌ای صورت پذیرفته و اعمال نظرات کارشناسی و مردم، سری شاخص‌هایی تعریف و ارزش‌گذاری گردیدند و سپس با تلفیق همه این شاخص‌ها یک دید جامع‌تر از منطقه به ما می‌دهد؛ بنابراین، در بین محله‌های منطقه، محله‌های ایران در رتبه اول، کوثر دوم، آبشار سوم، تختی چهارم و قیام پنجم و به ترتیب، فردوسی، امامزاده یحیی، شمیران، آرگ، سنگلج در رتبه‌های ششم تا دهم قرار گرفته‌اند. در تحلیل شاخص‌ها، محله‌های هرندی، بازار و بهارستان در وضعیت نامطلوبی واقع شده بودند.

تحلیل محله‌های منطقه 12 از نظر ایمنی در فضاهای مسکونی در برابر جرم‌خیزی

همان‌گونه در تحلیل‌های پیشین ذکر گردید، نگرش نظام‌وار به مسئله ناهنجاری‌های اجتماعی شهری، یک رویکرد جامع‌نگر و ارتباطی بوده است و به ساختارهای مختلف اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه در سطوح مختلف توجه دارد و در بستر ساختارهای محلی، به تحلیل کارکردهای آن می‌پردازد. خروجی ساختارها، کارکرد بوده و روابط فضایی در این بین شکل می‌گیرد. روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی که نشست گرفته از ساختارها و کارکردها بوده است. این مقدمه برای شرح توصیف و تحلیل منطقه نیز مشمول است. بدین‌صورت که ساختار تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکمیتی حاکم در منطقه، این منطقه را در بین سایر مناطق شهر تهران دارای شرایط ویژه می‌نماید.

استقرار کاربری‌ها که تنها یک تصمیم حاکمیتی و سیاسی نبوده است بلکه ساختارهای تاریخی منطقه و نیاز بازار نیز در آن دخیل بوده است. محله‌های جنوبی منطقه دارای ساختارهای متنوع از نواحی شمالی و غربی منطقه می‌باشد. محله‌های جنوبی دارای بسترهای اقتصادی و فرهنگی دارای قدمتی زیاد، دارای بافت فرسوده بیشتر و محله‌های شمالی که بیشتر نهادهای سیاسی، دیپلماتیک و مراکز تجاری نوین مستقر شده‌اند. ویژگی بارز و قابل ذکر منطقه، اختلاط کاربری‌های مسکونی، تجاری و اداری در یکدیگر است که نمی‌توان این ساختارهای را از هم جدا نمود.

در بیشتر محله‌های منطقه تنوع کارکردی وجود داشته و یک سرزندگی فضایی حاکم است ولی گاهی این سرزندگی تبدیل به ازدحام و به دنبال آن ناهنجاری‌های اجتماعی، سرقت و کیف‌قاپی رواج دارد. تصاویر زیر از دو فضای شهری در برلین آلمان و تهران منطقه 12 می‌باشد، (شکل 3).



منطقه 12 شهر تهران (ایران)



برلین (آلمان)

منبع: Google Earth, 2017

در دو تصویر بالا چند نکته قابل ذکر می باشد:

1. نکته حائز اهمیت این است که مسکن، بافت مسکن، مورفولوژی محله و شبکه خیابانها و کاربریها در رخدادهای بزه مؤثر می باشند،

ب. تفاوت فضایی مناطق شهری (نظیر شمال و جنوب شهر) در رخداد بزه هم در بعد عینی و هم در بعد ذهنی ناامنی مؤثر می‌باشند،

ت. اختلاط کاربری‌های ناسازگار، مؤید ازدحام و خود حامل بسیاری از جرائم شهری بوده است،

ث. بافت‌های به‌هم‌ریخته شهری، به‌طور رسمی نظارت طبیعی را از شهر می‌گیرد،

ج. انسجام اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مشخصه‌های شهر امر هستند،

ح. خوشه‌های جرم در طول زمان مگر با تغییر شرایط جرم‌خیزی، ثابت هستند،

خ. فرهنگ شهری و شهروندی نقش مهمی در ایجاد امنیت در شهر دارد مانند موارد زیر:

1. مشارکت فعال با حوزه‌ای ایمن‌ساز مسکن (شهرداری و نیروهای نظامی و انتظامی محله و منطقه)،

2. اعتماد عمومی به پیشنهادها، راهکارها، پیشگیری و همکاری نهادهای انتظامی،

3. رعایت اصول خاص پیشگیری از جرم در ساختمان‌ها (به‌ویژه ساختمان‌های قدیمی و فرسوده)،

4. استفاده از دوربین‌های مداربسته در درب ورودی و پارکینگ و محوطه حیاط،

5. ایجاد قلمرو مکانی و مالکیتی برای محله‌ها.

نتیجه‌گیری

مازلو در زمینه سلسله نیازهای انسان‌ها، بعد از نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به امنیت را دومین نیاز اساسی انسان معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که نیاز به امنیت برای شهروندان به‌گونه‌ای تنگاتنگ با توانایی‌های اجتماعی و کالبدی در رابطه‌اند. در این میان، محل سکونت بشر به‌عنوان یک حریم و نقطه امن خصوصی و فردی برای اعضای خانواده وی محسوب می‌شود و امنیت در مسکن از ضروری‌ترین نیازهای ساکنین هر فردی در سکونتگاه‌های خود به حساب می‌آید.

بر اساس گفته خانم جین جیکویز درباره نظریه فعالیت مردم و تحرک مردم در سطح محله‌ها را به‌عنوان ناظر غیررسمی خیابان و چشم خیابان قلمداد کرده و منجر به کاهش جنایات در سطح خیابان‌ها و محله‌ها می‌شود. نظریه نیومن درباره فضاهای قابل دفاع که گرچه اشتراکاتی با نظریه جین جیکویز نیز داشت ولی وی پیشنهاد کرد برای نظارت بیشتر محله‌های مسکونی با محله‌های مسکونی کم تراکم ایجاد کرد تا قابلیت دفاع در برابر جرم بهتری داشته باشند. در واقع ساکنان محله‌ها را در ایجاد امنیت حیاتی می‌دانند. شهر تهران به‌عنوان پایتخت کشور و بزرگ‌ترین کلان‌شهر و نخست شهر ایران با مشکلات بسیاری مواجه است. نرخ بالای بزهکاری در این شهر یکی از مهم‌ترین مشکلات آن در مقطع کنونی است. تحلیل مسائل و چالش‌های شهری باید بر اساس نظریه‌های تحلیل فضایی و نظام‌وار صورت گیرد زیرا پیگیری مسئله‌ای در شهر به‌عنوان پدیده جدا از سیستم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کلان و خود راهی بهبود است و منجر به حل معضلی نخواهد شد؛ بنابراین، در این راستا پژوهش حاضر در جهت شناسایی و تحلیل فضایی جرائم در فضاهای مسکونی شهری در منطقه 12 تهران کوشیده است تا ضمن بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش در زمینه راهبردهای ایمن ساختن مسکن مطرح بوده است را بررسی کرده تا بتواند راه‌حل علمی برای حل مسئله ارائه دهد. شیوه پژوهش با توجه به ضرورت و عنوان موضوع، راهبردی است و راهکاری پیشنهادی نیز برای بلندمدت و میان‌مدت کاربرد دارد. دو نوع راهبرد بر اساس شاخص‌های مؤثر بر ناامن‌سازی مسکن پیشنهاد شده است؛ راهبردهایی برای عوامل مؤثر بیرونی مانند نهادها و سازمان دخیل در حوزه مسکن شهری در تهران و راهبرد دیگر برای عوامل درونی مانند شاخص‌های مسکن سالم در نظر گرفته شده است که این شاخص‌ها در سطح محلی بررسی و مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که منطقه 12 شهر تهران دارای بسترهای جرم‌خیزی بالا بوده و در واقع در قسمت‌های جنوبی منطقه به نسبت بیشتر رخ می‌دهد. و محله‌های بازاری و پرتدد که به‌صورت ازدحام معرفی می‌گردد نیز احساس ناامنی را در سطح منطقه اشاعه داده است. برای نیل به منطقه امن، مجموعه راهبردهایی باید به‌کار بست تا بتواند کارایی لازم را داشته باشد. راهبردها در واقع وضعیت آینده منطقه را نیز در نظر دارد و درصدد آینده‌نگری نیز است.

بازنگری در قوانین و مقررات شهرسازی و معماری ساختمان‌های منطقه، مکان‌یابی و استقرار ایستگاه‌های گشت‌زنی پلیس و ارتقای نقش شبکه‌ها و رسانه‌ها به‌عنوان نیروی مکمل در دنیای امروزه از راهکارهای بنیادی محسوب می‌گردد. نگرش به جرم و جرائم شهری در محله‌های فرسوده و مسئله متفاوت بوده است و این امر، به‌خاطر بافت خاص اجتماعی، اقتصادی و کالبدی این محله‌ها بوده است.

نقش مشارکتی مردم امروزه، به‌عنوان نیروی بالقوه و بالفعل در ایجاد بسترهای امنیت در محله‌ها می‌باشد. نقش مردم در کنار نهادهای مردمی و غیردولتی و داوطلبانه امروزه در جوامع پیشرو مانند کانادا بسیار مؤثر می‌باشد. تأکید بر گروه‌های خاص در پیشگیری از جرم و یادگیری اصول طراحی محیطی پیشگیری از جرم به کودکان از جمله این اقدامات بوده است.

پیشنهادها

ارائه راهبردهای پیشنهادی در چند بعد صورت می‌گیرد:

1. توانمندسازی ساکنان برای بهبود وضعیت مسکن در محله‌های خودشان
2. افزایش مشارکت شهروندان در امر بهبودسازی مسکن محل خویش
3. رعایت اصول (پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی) CPTED، یک اقدام برای طراحی محیط فیزیکی است که در جهت کاهش یا از بین بردن ریسک‌های جرائم قابل‌شناسایی اقدام می‌کند. این اقدامات از طریق موارد زیر صورت می‌گیرد:
 - أ. سازمان‌دهی سری گروه‌های کوچک برای بیان مفاهیمی نظیر، برنامه‌ریزی، منطقه‌بندی، ساختمان و پیشگیری از جرم برای توسعه زمینه‌های انجام رویکرد CPTED
 - ب. ارتقای آموزش CPTED برای بخش‌های پلیسی، گروه‌های برنامه‌ریزی، گروه‌های اجتماعی، رهبران تجاری و اداری و دفاتر توسعه اقتصادی و مسکن (این اقدامات از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های موجود در محله‌ها و مناطق امکان‌پذیر است).

ت. توسعه دادن و اضافه کردن اصول CPTED به برنامه‌ریزی‌های توسعه، منطقه بندی، توسعه اقتصادی و کالبدی. این اصول باید روشن، با ساخت‌افزارهای امنیتی، کنترل دسترسی ساختمان و خیابان‌ها و نمایانی و چشم‌انداز سازی باشد.

ث. ارتقای نقش داوطلبانه مردم برای پیشگیری از جرم؛ از طریق آگاهی سازی، اطلاع‌رسانی و آموزش

ج. طراحی محیط امن در فضاهای عمومی محلی؛ محیط محلی نقش زمینه‌ساز جرم و زدودن جرم را دارد، اگر محله‌ای در طراحی کلی، نما و ساختمان و خیابان‌ها و سایر فضاهای عمومی ضعف عمل کند زمینه وقوع جرم را فراهم آورده است.

راهبردهایی که خاص منطقه مورد مطالعه بوده به شرح زیر است:

1. مرتفع ساختن بافت‌های مسئله‌دار در بیشتر محله‌های منطقه به‌ویژه بازار، فردوسی و شمیران
2. بسترسازی مشارکت مردم در پیشگیری از جرم در سطح محله‌ها (به دلیل وجود کانون‌های جرم‌خیز در منطقه)
3. تعریض گذرهای موجود در منطقه (پیاده‌روها و کوچه‌های زیر 6 متر)
4. ایجاد محدودیت برای موتورسواران به برخی محدوده‌های منطقه مانند استامبول، لاله‌زار، مخبردوله، توپخانه و غیره
5. ایجاد محدودیت تردد بعد از ساعات خاص (برخی فضاهای شهری منطقه بعد از ساعات مشخص از شب خلوت گشته و خطر بزه‌دیدگی را بالا می‌برد، مانند بازار منوچهری و فردوسی).

منابع

- بحرآباد، حسین. (1390). بافت‌های فرسوده شهری، مکان‌های جرم خیز: تأثیر بافت فرسوده پیرامون جرم رضوی بر وقوع جرم، مجله علمی پژوهشی مطالعات اجتماعی ایران، شماره 12، زمستان 1389، ص 75-95. تهران.
- بحرینی، حسین. (1377). فرایند طراحی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پور موسوی، موسی. (1384). ملاحظات امنیتی کلانشهرتهران بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری، رساله دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، کیومرث. سرکارگر اردکانی، علی؛ و نظری، عدلی. (1389). آسیب‌پذیری شهری و GIS. تهران: دانشگاه امام حسین.
- شاه‌یوندی، احمد و همکاران. (1388). تحلیلی بر توزیع فضایی جرائم در مناطق شهر اصفهان. فصلنامه دانش انتظامی، شماره چهارم، دوره یازدهم، زمستان 1388.
- شکوئی، حسین. (1369). جغرافیای اجتماعی شهرها. جلد اول، چاپ اول. تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- شکوئی، حسین. (1375). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ اول. تهران: گیتاشناسی.
- صالحی، اسماعیل. (1390). برنامه‌ریزی و طراحی محیطی امنیت در محیط‌زیست شهری. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- صالحی، اسماعیل. (1387). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- کلانتری، محسن، قزلباش، سمیه، پرهیز، فریاد. (1391). بررسی تطبیقی وقوع بزهکاری در مناطق اسکان غیررسمی شهرها، مورد مطالعه مناطق بی‌سیم و اسلام‌آباد شهر زنجان. فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، سال چهارم، شماره بیست و ششم، تابستان 1393، ص 1 تا 29.
- کلانتری، محسن. (1380). بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران. پایان‌نامه دوره دکتری رشته جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی دکتر محمدتقی رهنمایی. تهران: دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- کلانتری، محسن. (1384). طرح بررسی جغرافیایی کانون‌های جرم خیز شهر زنجان. زنجان: دانشگاه زنجان.

- مرکز آمار ایران. (1390). سرشماری نفوس و مسکن. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز آمار ایران.
- نجفی ابرنآبادی، علی؛ و هاشم بیگی، حمید. (1377). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- Anastasia, L.S. & John, E. E. (2007) Crime Prevention and Active Living American Journal of Health Promotion, 21, 380-389.
- Cahill, M. &. (2203). the determinants of crime n Tucson, Arizona. Urban Geography, 47(7), 582-610.
- Choi, E. R. (2006). Crime prevention through environmental design .Korea Academic Information Corporation.
- Cozen, P.M; saville, C; Hillier, D (2005), Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography”, property Management Vol.23No.5,pp.328-356
- Cozens, P. M. (2002) Sustainable Urban Development And Crime Prevention Through Environmental Design The British City.Towards An Effective Urban Environmentalism For The21st Century.Elsevier Science Ltd. 19, 129-137.
- Hillier, S. &. (2008). An evidence based approach to crime and urban design or can we have vitality, sustainability and security all at once? In R. Cooper, C. Boyko, G. Urban sustainability for the 24 hour city. London.
- Jacobs, J. (1961). The death and life of the great American cities. New York, USA: Random House.
- Justice, N. I. (1996). Physical environment and crime. Rockville, MD. USA. National Institute of Justice, 1.
- Kim, K. Kang, H. and Lee, J. (2012). A study on safe city management strategy based on spatial and temporal simulation analyses of crime, Gyeonggi: KRIHS
- Kirl Kim and Dong-Bin Shin(2014), The Strategies on Safe City Making through Hotspot Analyses on Crime, Surveying and Geo-Spatial Information Engineering
- Largan, D. & Palm, R. (1973). An invitation to geography. Newc York: Mac Graw Hill.
- Sherman, L.W. Gartin, P.R. Buerger, M.E. 1989, Hotspots of Predatory Crime: Routine Activities and the Criminology of Place, Criminology, NO.27, p.27□55.
- Siti Rasidah Md Sakipa and Aldrin Abdullah(2012), Measuring Crime Prevention through Environmental Design in a Gated Residential Area: A Pilot Survey, ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies, Riverside Majestic Hotel ,Kuching, Sarawak, Malaysia, 7-8 July 2010.

- Wilson, J. Q. & Killing G. (1982). "Broken Windows: The Police and Neighborhood safety. Atlantic Monthly, 29.
- Wood, E. (1961). Housing Design: A Social Theory. New York. New York Citizens' Housing and Planning Council.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی